

امکان سنجی وقف سهام و پول؛ مدل صندوق وقف سهام و پول در ایران

حجت‌الاسلام دکتر غلامرضا مصباحی مقدم*

سجاد سیاح**

محمد مهدی نادری نورعینی***

چکیده

قدمت نهاد وقف، به تاریخ اسلام و زمان پیامبر اکرم (ص) مربوط می‌شود. هر چند سنت‌ها و رسوم بسیاری با کارکرد مشابه، قبل از اسلام نیز وجود داشته است؛ ولی اسلام اولین آیین آسمانی بود که چارچوب قانونی آن را توسعه داد و ضوابط و حدود آن را تعیین کرد. به همین ترتیب بود که وقف به ابزاری تبدیل شد که مسلمانان با استفاده از آن و بدون نیاز به دولت، به تأمین مالی بخش‌های مختلف اقتصادی، مثل آموزش، بهداشت، امنیت جامعه، کسب و کار تجاری، حمل و نقل، کمک به محرومان، ایجاد شغل، حمایت از کشاورزان و بخش‌های صنعتی پرداختند. مهم‌ترین هدف این مقاله تأکید بر اهمیت شکل‌گیری نهاد مالی وقف، به عنوان یک مؤسسه غیر انتفاعی و بیان این واقعیت است که این نهاد می‌تواند در تأمین مالی بخش‌های نیازمند دنیای اسلام مؤثر و مفید واقع شود. برای دستیابی به این هدف، در این مقاله روی دو بخش اصلی متمرکز می‌شویم: اول، چارچوب قانونی و فقهی وقف سهام و پول را مورد بحث قرار خواهیم داد و سپس با تأکید بر نقش مؤسسه‌های غیر انتفاعی در کشورهای پیشرفته، به ارائه مدلی پویا از یک نهاد کارآمد وقف می‌پردازیم که دو نقش حداکثرسازی ثروت واقفان صندوق و همچنین بهینه‌سازی فراگرد تخصیص منابع را با رعایت محدوده‌های شرع مقدس (و از جمله خواسته‌های واقفان)، با هم انجام می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: چارچوب قانونی وقف، وقف سهام و پول، نهاد مالی وقف

* عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

** پایه دکتری مدیریت مالی دانشگاه تهران

*** پایه دکتری حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ دریافت: ۸۸/۷/۵ تاریخ تأیید: ۸۸/۱۰/۲۰

Email: mehddinadery@gmail.com

مقدمه

ریشه‌کن کردن فقر، دستیابی به عدالت اجتماعی - اقتصادی و توزیع منصفانه درآمد، از مهم‌ترین اهداف نظام اقتصادی در اسلام است. از این‌رو، سیستم مالی اسلامی باید به گونه‌ای طراحی و تدوین شود که بیانگر این ویژگی‌های منحصربه‌فرد و متمایز باشد (چپرا،^۱ ۱۹۸۵). صدیقی^۲ (۲۰۰۴) و کان^۳ (۱۹۷۷)، مبنای فلسفی سیستم مالی اسلامی را در عدل و احسان جمع‌بندی کرده‌اند. همه این مفاهیم بر «دستگیری از کسانی که در سیستم بازار - محور، به آنها اعتنایی نمی‌شود»، تأکید دارند. همان کسانی که نمی‌توانند همگام بازیگران و نیروهای اقتصادی به ایفای نقش پردازند و به ابزارهای اقتصادی دسترسی ندارند تا به آنها توان بهره‌برداری بهتر از فرصت‌های اقتصادی اطراف خود را بدهد (کان، ۱۹۷۷، ص ۱۲-۱۳). از این‌رو، ضروری است که بخش مالی اسلامی، ابعاد اجتماعی را در عملیات روزمره فعالیت‌های تأمین مالی تجاری لحاظ نماید. نقش اجتماعی بخش مالی اسلامی، را به روشنی می‌توان در تأمین مالی افراد نیازمند برای بهبود درآمد و ثروت مشاهده کرد.

مدتی است که طرح تأسیس مؤسسه‌های مالی وقفی به منظور ارائه خدمات به افراد نیازمند، توسط محققان ارائه شده است: سیزکا^۴ (۲۰۰۴) مدلی را ارائه نمود که به کمک آن می‌توان از مفهوم وقف اموال منقول به صورت همزمان در جهت برآورده نمودن اهداف اجتماعی استفاده کرد. الجاری^۵ (۲۰۰۴) طرح تأسیس واسطه مالی غیر انتفاعی به نام بانک قرض‌الحسنه را ارائه نمود که اقدام به اعطای وام‌های قرض‌الحسنه (بدون دریافت نرخ سود) به قشر محروم و نیازمند جامعه می‌نماید. در این طرح پیشنهادی، سرمایه بانک به وسیله وقف پول توسط افراد ثروتمند جامعه تأمین می‌شد. کھف^۶ (۲۰۰۴) و احمد^۷ (۲۰۰۳)، طرح تأسیس مؤسسه‌های مالی خرد را ارائه نمودند که بر مبنای زکات، وقف و صدقه شکل می‌گیرد. بر اساس طرح پیشنهادی آنها بهره به دست آمده از اوقاف و نیز پول حاصل از صدقه برای تأمین مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری خرد (کارآفرینان کوچک) مورد استفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر این، می‌توان اموال به دست آمده از راه زکات را به منظور اهداف مصرفی اختصاص داد تا از انحراف پول از مسیر اصلی بهره‌وری جلوگیری شود.

1. Chapra

3. Khan

5. Elgari

7. Ahmed

2. Siddiqi

4. Cizakca

6. Kahf

هر سیستم مالی حداقل از سه بخش نهادهای مالی، ابزارهای مالی و محیط عملیاتی تشکیل می‌شود؛ بنابراین، توسعه و بهبود هر سیستم مالی نیازمند توسعه و طراحی هر یک از این سه زیرساخت است. در بحث نهادهای مالی، یکی از نهادهایی که می‌تواند به سرعت رشد و گسترش یافته و به منزله مؤسسه‌های خیریه در سطح بین‌الملل کارآیی داشته باشد، نهاد وقف است. هر روز تعداد بی‌شماری از مسلمانان صبح خود را با صدقه شروع می‌کنند و اعتقاد کامل و راسخ به این عمل مقدس و مستحب دارند. همچنین تعداد بسیار زیادی از مردم، اموال منقول و غیر منقول خود را با اهداف خیرخواهانه و کمک به هم‌نوع وقف می‌کنند؛ اما کارآیی این اموال موقوفه و این همه نیت خیرخواهانه چه بوده است؟ بر اساس اظهار نظر معاون امور اوقافی سازمان اوقاف و امور خیریه، در حال حاضر، ارزش تقریبی دارایی‌های وقف شده در ایران حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان و درآمد این موقوفات طبق آمار سال ۱۳۸۲ حدود ۴۲ میلیارد تومان است که نشان‌دهنده سوددهی یا درآمدزایی کم آنها، معادل هشت‌ده‌هزارم است (روزنامه سرمایه، ۱۳۸۶/۳/۱۱).

دلیل این واقعیت چیزی جز اداره غیر علمی و سنتی دارایی‌های وقف شده نیست. به نظر می‌رسد که علاوه بر روش اجاره‌داری باید از روش‌های جدید مشارکت، انواع روش‌های سرمایه‌گذاری و از جمله: سرمایه‌گذاری در بازار سهام، بانکداری، فعالیت در بازارهای پولی و مالی و سایر کارهای نرم‌افزاری استفاده شود. با تعریف وسیع‌تر حوزه اموال قابل وقف، اداره علمی و کارآمد اموال موقوفه باعث تشویق خیرین و افراد نیکوکار به مشارکت در این سنت پسندیده خواهد شد. شکل‌گیری چنین نهادهایی است که سبب بازدهی و کارآیی اموال موقوفه شده و در عین حال، درآمد بیشتری را برای مصرف و برطرف کردن نیاز بخش‌های نیازمند جامعه ایجاد می‌نماید.

سنت پسندیده‌ای که می‌تواند ایجادکننده ثروت و برطرف‌کننده بسیاری از مشکلات باشد؛ اما خود در انبوهی از انواع و اقسام نابسامانی‌ها، مانند عدم تناسب حجم دارایی‌ها با منافع حاصل از آنها، عدم هماهنگی نحوه مدیریت و بهره‌وری اموال موقوفه با اقتصاد توسعه یافته امروز، حاکمیت مدیریت سنتی و در نتیجه، عدم اثربخشی و کارآیی موقوفات گرفتار آمده است. وقف نباید در حوزه سنتی خود باقی بماند؛ زیرا جامعه نیاز دارد که متناسب با پیشرفت اقتصاد امروز ایران، این میراث جاویدان را توسعه دهد و از منافع آن برای افزایش حمایت و کمک به جامعه به‌خصوص حل مشکلات افراد

کم‌درآمد استفاده کند. فرهنگ وقف باید به‌شدت از راه بازارهای سرمایه و بازارهای پولی و مالی گسترش یابد.

همین شکل کارآمد و پویای مدیریت نهاد وقف است که بر اساس آن مسلمانان می‌توانند بدون نیاز به بخش دولتی به تأمین مالی بخش‌های گوناگون اقتصادی، مثل آموزش، بهداشت، امنیت جامعه، کسب و کار تجاری، حمل و نقل، کمک به محرومان، ایجاد شغل و حمایت از کشاورزان و بخش‌های صنعتی بپردازند. در واقع، باید با طرح مدلی، هدف سودآوری را نه به خود ناظر، بلکه به یک بخش مستقل و متخصص مالی داد، تا بتوان منافع چنین اموال موقوفه‌ای را برای حمایت از منافع عمومی و خصوصی در رابطه با رفاه اجتماعی به‌کار گرفت.

در نوشتار حاضر، کوشش خواهد شد که علاوه بر اشاره به ادبیات موضوع، در مورد امکان‌سنجی فقهی سهام بحث شود و نهایتاً مدل مناسبی برای تأسیس صندوق وقف، تدوین و ارائه شود.

مفهوم و چارچوب قانونی وقف

هر چند که تاریخچه نهاد وقف، به پیدایش اسلام برمی‌گردد؛ ولی جالب است که بدانید مستندات قرآنی و روایی بسیار کمی درباره وقف وجود دارد و حتی این مستندات نیز صرفاً بر پسندیده و خوب بودن وقف دلالت دارد و در فقه شیعه، با عنوان صدقه و نیز در شریعت اسلام، به نام صدقه جاریه و یا صدقه‌ای است که به‌طور پیوسته در جهت اهداف مشخص مصرف می‌شود. با توجه به اینکه اسلام تشویق می‌کند که ساده‌ترین و آسان‌ترین راه را در زندگی برگزینیم، در مورد وقف هم باید گفت که قانون وقف آن‌قدر انعطاف‌پذیر است که هر کشوری می‌تواند با رعایت چارچوب اصلی شرایط وقف، متناسب با نیاز و شرایط خاص محیطی خود به طراحی و تدوین شکل خاصی از صندوق اقدام نمایند. در واقع، همان‌گونه که امام خمینی (ره) در *تحریرالوسیله* می‌فرماید: «برای وقف، حقیقت شرعیه‌ای نیست؛ بلکه یک امر عقلایی است که میان پیروان تمام ادیان و شاید نیز غیر پیروان ادیان نیز مرسوم باشد». بنابراین، وقف یک امر عقلایی است و به حکم عقل، وقف و صدقه عمل پسندیده و نیکویی است که از گذشته نیز انسان به آن توجه داشته است و از جمله احکام امضایی شرع مقدس اسلام به شمار می‌رود. پیامبر اسلام (ص) در این‌باره می‌فرماید: «إذا مات الانسان انقطع عمله

إلا من ثلاث: صدقة جاریة و علم يُنتفع به و ولد صالح يدعو له؛ بهترین یادگار و میراثی که انسان از خود به جای می‌گذارد، سه چیز است: اول، صدقه جاریه (وقف) که اجر و مزدش به او می‌رسد؛ دوم، دانشی که بعد از او (انسان) مورد عمل و استفاده واقع می‌شود؛ سوم، فرزند شایسته‌ای که خیری در بر داشته باشد» (حدیث ابی هریره).

تعریف وقف

واژه‌های وقف، حبس، منع و تسبیب، همگی به معنای «ایستادن، نگه داشتن، توقف، به حالت ایستاده ماندن و آرام گرفتن»^۱ در راه خدا (فی سبیل الله) است. در لبنان، اسرائیل، اردن، عراق و امارات متحده عربی از واژه وقف استفاده می‌شود، و در آفریقای شمالی از واژه حبس و در ترکیه از واژه وکیف (vakif) یا ایکاف استفاده می‌شود (در مالزی از واژه اوکاف (awkaaf) استفاده می‌شود).

طبقه‌بندی انواع وقف

تقسیم وقف به اعتبار ذی‌نفعان (موقوف‌علیهم)

۱. وقف خیری (عام): وقف بر جهت‌ها و مصلحت‌های عموم، مانند وقف مسجد یا وقف بر فقرا؛
۲. وقف فامیلی و اهل (خاص): وقف بر شخص یا اشخاص، مانند وقف بر فرزندان؛
۳. وقف مشترک (ترکیب وقف عام و خاص).

تقسیم وقف به اعتبار نوع موقوفه

۱. وقف اموال منقول: یعنی وقف اموالی که نقل و انتقال آنها بدون اینکه تغییر یابد، ممکن باشد؛
۲. وقف غیر منقول: یعنی وقف اموالی که به صورت ملک ثابت‌الاصل است؛ مانند وقف خانه، باغ یا زمین.

هر چند که از نظر تاریخی، وقف اموال غیر منقول و به عبارتی، دارایی‌های واقعی بیشترین شکل وقف است؛ ولیکن وقف اموال منقول و یا نقد^۲ نیز اخیراً جایگاه مناسبی یافته است. وقف اموال منقول معمولاً به دو شکل است: شکل اول، به این صورت

1. stop, prevent, restrain

2. cash wqf

است که پول را وقف می‌کنند تا به صورت رایگان در اختیار ذی‌نفعان (عموماً به شکل وام قرض‌الحسنه) قرار گیرد. در حالت دوم، پول وقف شده، سرمایه‌گذاری می‌شود و خالص درآمد آن به ذی‌نفعان تخصیص می‌یابد.

تقسیم وقف به اعتبار مدت زمان وقف

۱. وقف مؤبد (الی‌الابد): بر اساس نظر فقهای شیعه، تأیید از شروط وقف است و بین وقف و حبس از این نظر تفاوت قائل شده‌اند؛
۲. وقف موقت: چنانچه وقف مقید به قید زمانی خاصی شده باشد که پس از انقضای آن، موقوف از وقفیت خارج شود، وقف از نوع موقت است. البته از نظر بیشتر فقهای شیعه و اهل سنت، وقف موقت صحیح نیست و عنوان آن حبس است، نه وقف.

تقسیم وقف به اعتبار مشروعیت وقف

۱. وقف صحیح: وقفی که در آن احکام شرع از هر جهت رعایت شده است؛
۲. وقف غیر صحیح: وقف مالی که بر خلاف احکام شرع صورت گیرد. مثل وقف اموال دزدی یا وقف بر گناه.

تقسیم وقف به اعتبار نوع استفاده از موقوفه

۱. وقف انتفاع: از این نوع وقف با عنوان «اصول وقف» یاد می‌شود، مانند احداث حسینیه در زمین ملکی خود؛
۲. وقف منفعت: منظور از این نوع وقف کسب درآمد مادی است، مانند وقف منفعت مغازه برای اداره مدرسه.

تقسیم وقف به اعتبار نوع مدیریت موقوفه

۱. موقوفات متصرفی: موقوفاتی که اداره آنها از نظر قانونی بر عهده سازمان اوقاف و امور خیریه است؛
۲. موقوفات غیر متصرفی: موقوفاتی که دارای متولی و ناظر است و سازمان اوقاف و امور خیریه، نظارت استصوابی بر آن دارد.

شرایط وقف**الف) شرایط واقف**

واقف باید عاقل (تسلط بر توانمندی فیزیکی و ذهنی) و بالغ بوده و از خود اختیار داشته و محجور نباشد (اعم از حجر مالی یا حجر به علت سفاهت).

ب) شرایط موقوف‌علیهم

۱. موجود باشد یا به تبع موجود، در آینده موجود شود، مثل وقف بر فرزندان که به وجود خواهند آمد (ماده ۶۹)؛
۲. معین باشد؛^۱
۳. داشتن اهلیت تملک، یعنی موقوف‌علیه به صورت شرعی و قانونی بتواند موقوف را تملک کند؛
۴. وقف بر آن حرام نباشد (به کافر نمی‌توان وقف کرد)؛
۵. واقف خود را موقوف‌علیه یا در ردیف آنان قرار ندهد.

ج) شرایط اموال قابل وقف

شرایط واقف و موقوف‌علیهم، دقیقاً روشن است و محل اختلافی بین علما در تعیین و تبیین ویژگی‌های این دو مورد وجود ندارد. بحث اصلی در مورد شرایط اموال قابل وقف است. اگر بتوان سهام را دارای شرایط اموال قابل وقف به شمار آورد؛ در این صورت، بستر قانونی و فقهی آن تأیید شده و سازوکار اجرایی کردن آن مطرح خواهد شد. در این بخش به صورت مفصل به تشریح شرایط اموال قابل وقف و تطبیق اوراق بهادار مالکانه (سهام) با این شرایط خواهیم پرداخت.

شرایط اموال قابل وقف در مکاتب فقهی سنی

منظور از مال موقوفه، عین محبوسه‌ای است که احکام وقف بر آن جاری می‌شود. بیشتر مالکی‌ها و حنفی‌ها، وقف درهم و دینار را به هدف تجارت و صرف سود آن در جهت خیر و یا وام قرض‌الحسنه جایز می‌دانند؛ اما حنبلی‌ها وقف درهم و دینار را صحیح ندانسته و دلیلشان مخالفت با ماهیت وقف (نگه داشتن اصل و در راه خدا دادن

۱. ماده ۷۱ قانون مدنی: وقف بر مجهول صحیح نیست.

منفعت) است. شافعی‌ها نیز استفاده از درهم و دینار وقفی برای زینت یا تجارت را انتفاع غیر مقصود دانسته و با چنین وقفی مخالفت کرده‌اند (الخطیب، ۱۳۹۸ق، ص ۹۱؛ الکرنانی، [بی‌تا]، ج ۵، ص ۴۳۱؛ الزحیلی، ۱۴۰۵ق، ج ۸، ص ۱۸۸؛ ابنی‌قدامه، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۲۶۲؛ سعادت‌فر، ۱۳۸۴). الزحیلی در توجیه علت درستی وقف پول می‌نویسد: «و ينزل رد بدله منزله بقاء عينه»؛ با برگرداندن بدل درهم و دینار قرض داده شده، گویی عین آنها باقی است».

البته نشست پانزدهم مجمع بین‌المللی فقه اسلامی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی در مورخ ۱۴ تا ۱۹ محرم ۱۴۲۵ در مسقط عمان، وقف پول را مجاز اعلام نمود. گردهمایی دوم «مسائل فقهی وقف» که با شرکت ۶۰ تن از علما و اندیشمندان به وسیله دبیر کل اوقاف کویت با همکاری بانک توسعه اسلامی در سال ۲۰۰۵ میلادی برگزار شد، نیز وقف پول را جایز دانست (شبکه خبری الوسط، ۲۳/۵/۲۰۰۵).

شرایط اموال قابل وقف در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران

یکی از مهم‌ترین مستندات فقها در مورد وقف، استناد به روایتی از پیامبر اکرم (ص) است: «قال (ص): حَبْسُ الْأَصْلِ وَ سَبْلُ الثَّمَرَةِ» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ص ۴۷) از این رو، در بیشتر کتب فقها به‌ویژه متقدمان مشاهده می‌شود که در تعریف وقف گفته‌اند: «تَحْبِيسُ الْأَصْلِ وَ تَسْبِيلُ الثَّمَرَةِ» و یا «تَحْبِيسُ الْأَصْلِ وَ تَسْبِيلُ الْمَنْفَعَةِ» (راوندی، ۱۴۰۵ق، ص ۲۹۰). اما این تعریف به تدریج در عبارات برخی از فقها تبدیل شده است به: «حَبْسُ الْعَيْنِ وَ إِطْلَاقُ الْمَنْفَعَةِ». (میرزای قمی، [بی‌تا]، ص ۴۸)؛ یعنی به جای کلمه «اصل» از «عین» و به جای «تسبیل» از «اطلاق» استفاده شده است. هر چند جعل حکم از سوی شارع مقدس بر عنوان «عین» مترتب نشده است، ولی به مرور زمان «عین» جایگزین «اصل» شده است.

صاحب جواهر (ره) در توضیح این مطلب می‌نویسد: «متأخرین کلمه سَبْل را به اطلاق تبدیل کردند؛ زیرا ظاهرتر در مراد است» (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۸، ص ۳۸). از طرفی، در روایتی از رسول اکرم (ص) و عبارات بسیاری از فقها «تَحْبِيسُ الْأَصْلِ» آمده است. اطلاق کلمه «اصل» در این عبارت، هر مالی را که با بهره از آن، اصل آن محفوظ بماند، شامل می‌شود و به نظر می‌رسد که تبدیل آن به کلمه «عین» در تعابیر فقها در قرون بعدی به این خاطر بوده است که به استنباط فقها، مالی که بتوان اصل آن را حفظ نمود

و منفعت آن را استفاده کرد، باید مالی باشد که معین و در دسترس باشد و با استفاده منفعت آن، از بین نرود و این چنین مالی فقط از اعیان می‌تواند باشد؛ بنابراین، این کلمه را که به معنای مال حاضر و در دسترس است،^۱ برگزیده‌اند تا بیشتر منظور را برسانند، و گرنه شرط عین بودن مال موقوفه و یا به اعتقاد برخی، مادی و محسوس بودن آن (حائری، ۱۳۸۲، ص ۲۵) موضوعیت ندارد و آنچه موضوعیت دارد، آن است که مال مورد نظر معلوم و معین و در دسترس باشد و قابلیت حفظ با امکان بهره از آن باشد و تعبیر عین به خاطر تأمین این شرایط بوده است (محقق حلی، ۱۳۷۷ق، ج ۲، ص ۱۶۶). بر این اساس، فقها چهار شرط را برای آنکه مالی قابلیت وقف داشته باشد، برمی‌شمرند: «شرایط الموقوف اربعة: ان تكون عینا، مملوکه، ینتفع بها مع بقائها و بصح إقباضها» (همو، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۴۴۳).

۱. عین باشد؛

۲. واقف، مالک آن باشد؛

۳. قابلیت بقا در عین انتفاع را داشته باشد؛

۴. قابلیت اقباض داشته باشد (بتوان آن را تحویل داد).

محقق حلی در *مختصر النافع* (۱۴۰۲ق)؛ علامه حلی در *ارشاد* (۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۵۱)؛ *قواعد* [بی‌تا] الف، ج ۱، ص ۲۶۹، تبصرة [بی‌تا] ب، ص ۴۵۳ و تحریر (۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۳۱۱)؛ شهید اول در *لمعه* (۱۳۷۴ش، ص ۸۷)؛ سبزواری در *کفایة* [بی‌تا] (ص ۱۳۹)؛ بحرانی در *حداثت* (۱۴۰۵ق، ج ۲۲، ص ۱۷۶)؛ اصفهانی در *وسيلة النجاة* (۱۳۹۷ق، ج ۲، ص ۱۴۲) و دیگران نیز نظیر همین عبارت را بیان نموده‌اند.

۴. بررسی امکان وقف سهام و پول

تردیدی وجود ندارد، در اینکه بیشتر این چهار شرط لازم برای اموال قابل وقف که در کتب فقهی و قانون مدنی آمده است، در خصوص سهام شرکت‌ها محقق است؛ چرا که بدون هیچ شکی، سهام، مال قابل تملک توسط دارنده آن است (شرط دوم) و با بهره‌مندی از آن باقی می‌ماند (شرط سوم).

۱. در کتب لغت برای کلمه عین که یکی از مشهورترین مشترکات لفظی است، معنای بسیاری بیان شده است، مانند: چشم، حس بینایی، چشمه آب و بسیاری معانی دیگر. اما در جایی که «عین» به معنای «مال» به کار می‌رود، به مالی گفته می‌شود که حاضر و آماده و یا نقد و در دسترس باشد.

اما آیا سهام قابلیت قبض و اقباض (شرط چهارم) دارد؟ سهام قابل معامله است و نقل و انتقال آن چنانچه از نوع بی نام باشد، به موجب ماده ۳۹ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ به مجرد قبض و اقباض برگه سهام به عمل می آید و در صورتی که بانام باشد، به موجب ماده ۴۰ همان قانون علاوه بر قبض و اقباض اوراق سهام انتقال آن باید در دفتر ثبت سهام شرکت هم ثبت و امضا شود. ممکن است تردید شود که در اموال آلی که خود به طور ذاتی مالیت ندارد؛ بلکه معرف و نماینده مال است، چگونه قبض و اقباض به عمل می آید؟ به عبارت دیگر، آیا قبض و اقباض اوراق سهام به منزله قبض و اقباض ارزش مالی پشتوانه آن هم است؟ بدون تردید پاسخ مثبت است، با توجه به مواد قانونی بیان شده، این سهام شرکت است که از این راه منتقل می شود، همچنان که در پرداخت قیمت نیز هر گاه با اسکناس پرداخت شود، عیناً همین وضعیت جاری است و کسی در درستی پرداخت قیمت با اسکناس تردید نکرده است. علاوه بر این، ماده ۳۶۹ قانون مدنی در مورد تسلیم مبیع (چیز فروخته شده) مقرر می دارد: «تسلیم به اختلاف مبیع به کیفیات مختلفه است و باید به نحوی باشد که عرفاً آن را تسلیم گویند». روشن است که در نظر عرف ارزش موضوع اوراق سهام چنان با عین سند ترکیب شده است که انتقال و قبض اسناد به منزله انتقال و قبض اموال موضوع آنهاست.^۱ بنابراین، عرف، قبض و اقباض برگه سهام بی نام و ثبت انتقال سهام بانام در دفتر را راه های قبض و اقباض سهام تلقی می کند.

دو شرط عین بودن موقوفه و امکان قابلیت بقا در عین انتفاع محل بحث و مناقشه علما بوده است. بنابراین، در ادامه به بررسی این دو شرط و تفصیل آنها خواهیم پرداخت:

الف) عین بودن موقوف: برای مثال، علامه حلی در توضیح اموال موقوفه می نویسد: «پس وقف آنچه که عین نیست، صحیح نمی باشد، مثل دین و همچنین اگر بگوید یک اسبی یا شتری یا خانه ای را که نامعین است، وقف کردم، صحیح نمی باشد و وقف ساختمان، املاک، لباس، اثاثیه و وسایلی که مباح باشد، صحیح است».

صاحب جواهر(ره) در توضیح عبارت محقق حلی می نویسد: «عین در برابر سه امر مقابل آن است که وقف آنها صحیح نیست، زیرا در شمول ادله وقف بر آنها تردید وجود

۱. آقای کاتوزیان (۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۴۰) بیان می کند: «به نظر می رسد که رهن این گونه اسناد درست است، زیرا از نظر عرف ارزش موضوع آنها چنان با عین سند مخلوط شده است که انتقال و قبض اسناد به منزله انتقال و قبض اموال موضوع آنها است». البته ایشان درباره رهن سهام بانام نظر دیگری ارائه می کند.

دارد» (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۸، ص ۱۴). این سه امر عبارت از دین، مال مبهم و منفعت است. دین، مال کلی ثابت در ذمه یک فرد به نفع دیگری است که به یکی از اسباب دین حاصل می‌شود، به کسی که مال بر گردن اوست، «مدیون» یا «مدین» و به دیگری، «دائن» یا «غريم» می‌گویند. سبب دین دو گونه است (امام خمینی، ۱۴۰۸ق، ص ۵۹۵):

۱. اختیاری: مانند قرض کردن، مالی را در بیع سلم مبیع قرارداد، در بیع نسبه ثمن قرار دادن، اجرت قرار دادن در اجاره، مهر قرار دادن در عقد نکاح یا عوض قرارداد در خلع و امثال اینها؛
۲. قهری: مانند ضمان‌ها، نفقه همسر دائم و مانند آنها.

پس کسی نمی‌تواند بستانکاری خود از دیگری را - که حاضر و در دسترس نیست - وقف کند و یا مال مبهمی، مثل ماهی در آب یا خانه نامعینی را وقف نماید. منفعت مانند حق زندگی در منزل هم قابل وقف نیست (محقق حلی، ۱۳۷۷ق، ج ۲، ص ۶۷). صاحب‌جوهر در استدلال بر عدم درستی وقف منفعت می‌نویسد: «و اما عدم صحت وقف منفعت به دلیل آن است که حبس منفعت را نمی‌توان تصور کرد؛ چرا که انتفاع مبتنی بر استیفاء است» (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۲۸، ص ۱۶).

محقق حلی (۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۶۷) پس از بیان شرایط، نتیجه می‌گیرد که: «ضابطه - مال قابل وقف - هر چیزی است که انتفاع حلال از آن صحیح باشد؛ در حالی که باقی بماند». صاحب‌جوهر این ضابطه را چنین توضیح می‌دهد: «وقف آلات لهو - که منفعت حلال ندارد - و نیز آنچه که اصلاً منفعتی ندارد، هیچ‌یک صحیح نیست. همچنین وقف آنچه که جز در صورت تلف شدن اصل آن منفعت ندارد، مثل طعام و شمع هم صحیح نیست». وی تأکید می‌نماید که اموال قابل وقف در اموال غیر منقول منحصر نیست و اموال منقول نیز قابل وقف است: «البته از ابوحنیفه نقل شده است که وقف حیوانات، کتب و اموال منقول را صحیح نمی‌دانند... اما این نظریه مخالف با نصوصی است که به ما رسیده و اجماع و سیره مستمره بر خلاف نظریه اوست، مثل وقف حصیر، فرش و غیره» (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۲۸، ص ۱۶).

شهید ثانی ([بی‌تا] ج ۱، ص ۲۶۲) در شرح شرط اول، یعنی عین بودن مال موقوفه می‌نویسد: «پس وقف منفعت و دین صحیح نیست؛ زیرا انتفاع از منفعت با بقای آن ممکن نیست و دین و مال مبهم هم وجود تحقق یافته خارجی ندارند و حبس و انتفاع از آنها مادامی که چنین وضعی داشته باشند، ممکن نیست، مگر بعد از آنکه معین و

مقبوض شوند». بدین ترتیب، شهید ثانی دلیل خروج آنها را به عدم قابلیت‌شان برای حبس مستند می‌کند که در مورد منفعت، در واقع عدم امکان حبس به دلیل نبود همان شرط سوم است که باید انتفاع از آن با بقای آن سازگار باشد.

اما در خصوص سهام اختلافی نیست که بهره‌مندی از سهم - ماهیت آن هر چه که باشد - مستلزم از بین رفتن، مصرف شدن و به‌طور کامل گرفتن آن نیست؛ بلکه می‌توان اصل سهام را نگه داشت و از منافع آن برخوردار شد. پس یا آنچه ایشان منفعت می‌نامد و آن را از این ضابطه خارج می‌داند، با آنچه ممکن است از سهام به عنوان منفعت یا حقوق یاد شود، هم‌معنا نیست و یا حتی در صورتی که به یک معنا هم باشد، باید اطلاق این کلام را مقید کرد و اظهار داشت: «وقف منفعتی که قابل حبس نباشد و انتفاع از آن موجب تلف آن باشد، صحیح نیست و در غیر این صورت، در شمول اطلاق کلمه اصل باقی می‌ماند؛ پس وقف آن صحیح است». اگر در گذشته، مطلق منفعت را خارج کرده‌اند، از آن‌روست که منفعتی که بتوان با بهره‌مندی از آن، اصلش را حفظ کرد، قابل تصور نبوده است. بدین ترتیب، حتی اگر سهام را نوعی منفعت یا حقوق محض دانسته باشند، بر اساس یکی از این دو صورت، هیچ مغایرتی با ضابطه بیان شده از محقق حلی وجود ندارد و بی‌هیچ تردیدی در حیطة روایت رسول اکرم (ص) قرار دارد.

بسیاری از حقوق‌دانان ایرانی نیز در شرح و بسط مواد ذی‌ربط از قانون مدنی و توصیف اموال قابل وقف، شرایطی را که با طبیعت سهام ناسازگار باشد، بیان نکرده‌اند؛ بلکه ایشان نیز بر این عقیده‌اند که منظور از منفعتی که وقف آن باطل است، آن چیزی است که استفاده از آن مستلزم از بین رفتن تدریجی آن است و قابلیت حس دائمی ندارد و از ماده ۵۵ به خوبی برمی‌آید که باید منبع منفعت، محفوظ از تلف، نقل و انتقال باقی بماند و ثمره تدریجی حاصل از آن در راه خدا خارج شود (کاتوزیان، ۱۳۷۴). همان‌طور که بیان شد، این شرط درباره سهام قابل تحقیق است.

بنابراین، با توجه به اینکه موقوف باید عین باشد و عین مقابل وقف دین، کلی و منفعت است؛ پس وقف این سه مورد صحیح نیست. از آنجا که سهام و پول در مقابل دین، کلی و منفعت است؛ بنابراین، دارای شرط «عین بودن» می‌باشد.

ب) لزوم قابلیت بقای آن در برابر انتفاع: بررسی این شرط را می‌توان با این سؤال آغاز کرد که آیا اصولاً سهام و پول، منفعتی دارد که با انتفاع از آن، عین باقی بماند؟

این شرط در مورد سهام، کاملاً صادق و روشن است؛ چرا که در عین بهره‌مندی از سود نقدی متعلق به سهام، می‌توان اصل سهام را حفظ کرد؛ اما وقف پول یا به قول فقها، وقف درهم و دینار، محل بحث است. علامه محقق حلی در شرایع (۱۳۷۷ق) می‌نویسد: «گفته شده است، خیر و این صحیح‌تر به نظر می‌رسد، زیرا منفعتی در وقف - پول رایج - نیست، مگر آنکه در اصل آن هم تصرف شود. از طرفی هم گفته شده وقف آنها صحیح است، زیرا می‌توان در آنها نفعی را هم فرض کرد که با بقای آنها سازگار باشد». خود مرحوم محقق نیز اظهار نظر می‌کند که بهتر و واضح‌تر، عدم صحت آن است. دلیل این دسته از فقها این است که درهم و دینار (نقود) از جمله مواردی است که بهره‌مندی از موقوفه موجب زوال و از بین رفتن آن می‌شود، پس وقف آن صحیح نیست. بنابراین، اشکال وارده بر وقف پول، چنان که اشاره شد، آن است که وقتی ما از پول بهره‌مند می‌شویم که آن را خرج کنیم و چون خرج کردیم، پول از بین می‌رود و دیگر چیزی از آن باقی نمی‌ماند.

گروهی دیگر از فقهای شیعه بر این عقیده‌اند که وقف درهم و دینار صحیح است؛ زیرا می‌توان برای آن نفعی در نظر گرفت و در عین حالی که مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، اصل آن نیز باقی بماند. ابن‌ادریس و شهید دوم در مسالک و شهید اول در کتاب دروس و علامه در تذکرة الفقهاء و محقق ثانی در جامع‌المقاصد به درستی وقف نقود (درهم و دینار) قائل شده‌اند، مشروط به اینکه دارای منفعتی با بقای اصل باشد.

فیض (۱۳۷۳، ص ۱۰۶)، علاوه بر ضمن بیان شرایط عین موقوفه، به بررسی فقهی پول پرداخته، با این استدلال که پول در گردش خود بر روی «کلی» - نه جزئی و شخصی - دور می‌زند و کلی با وجود مصرف آن، باقی است. وی وقف پول را برای اعطای تسهیلات تجویز نموده و می‌گوید: «اشکال در وقف پول این است که گفته‌اند وقتی از پول منتفع می‌شویم که آن را خرج کنیم و چون خرج کردیم، پول از بین می‌رود و دیگر باقی نمی‌ماند؛ اما می‌توان گفت پول در گردش خود بر روی «کلی» - نه جزئی و شخصی - دور می‌زند و چه اشکالی دارد که شخصی ده‌ها میلیون پول خود را برای نیازمندان وقف کند و در سر مدتی که از قبل معین شده است، مثل آن را به بانک بپردازد؟ این‌گونه وقف را عرف عقلاً می‌پذیرد، چون بسیار مفید و ارزنده و برای همیشه باقی و دایر است و هیچ حلال و حرامی هم پیش نخواهد آمد».

ابن عابدین نیز می‌گوید: «درهم‌های وقف شده با تعیین آنها ضمن وقف، متعین نمی‌گردند. از این رو، گرچه این درهم‌ها با انتفاع از آنها باقی نمی‌مانند، ولی بدلشان جایگزین آنهاست، پس گویی این درهم‌ها باقی‌اند».

آیت‌الله صانعی با این استدلال که «غرض واقف در وقف پول، وقف مالیت است و آنچه از بین رفتن آن با وقفیتش منافات دارد، وقف عین است»، وقف پول را صحیح دانسته است (ملکوتی فر، ۱۳۸۰، ص ۱۴۴).

برخی مسائل دیگر هم در زمینه وقف مورد بحث قرار گرفته است. از جمله اینکه اموالی که احتمالاً بعدها، منفعی خواهد داشت، مثل درختان میوه‌دار را می‌توان وقف کرد (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۸، ص ۱۷؛ کاتوزیان، ۱۳۶۹، ص ۲۱۱). همچنین لازم نیست که عین موقوفه دائمی و ابدی باشد، بلکه وقف مالی که تا مدتی باقی بماند، هر چند به مرور زمان زوال یابد، نیز صحیح است.

تطبیق چهار شرط برشمرده شده، با قانون مدنی نشان می‌دهد که شرط مالکیت در ماده ۵۷، شرط حفظ بقا در عین انتفاع از آن در ماده ۵۸ و شرط صحیح بودن اقباض در ماده ۶۷ قانون مدنی بیان شده است؛ ولی در مورد شرط عین بودن مال موقوفه، به نظر می‌رسد که قانون مدنی به صراحت یا روشنی به وجود چنین شرطی اشاره نداشته است. هر چند که در مواد ۵۵ و ۵۸ کلمه «عین» به کار رفته است؛ اما دلالت لفظی بر شرط عین بودن موقوفه ندارد. ماده ۵۵ می‌گوید: «وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود». با توجه به مضاف واقع شدن کلمه عین به مال، با آنچه قبلاً در مورد معنای عین اشاره شد، تفاوت وجود دارد. در اینجا منظور از عین مال، خود مال یا اصل مال است. پس تفسیر ماده ۵۵ به این صورت خواهد بود که وقف عبارت است از اینکه خود مال یا اصل مال نگهداری و منافع آن در مسیر معینی هدایت شود. ماده ۷۷۴ قانون مدنی نیز به صراحت اشاره دارد که «مال مرهون باید عین معین باشد و رهن دین و منفعت باطل است». بنابراین، تفسیر ماده ۵۹، که «اگر واقف عین موقوفه را به تصرف وقف ندهد، وقف محقق نمی‌شود و هر وقت به قبض داد، وقف تحقق پیدا می‌کند»، مبنی بر دلالت لزوم محسوس بودن مال قابل وقف به حواس ظاهری^۱ نادرست است. کاتوزیان (۱۳۷۳، ج ۳، ص ۲۱۱) در مورد قابل وقف بودن منفعت در

۱. مرحوم شاه‌باغ می‌گوید: «عین عبارت است از موجود مشخص خارجی که به هر یک از حواس ظاهری ادراک شود... و از اقسام اموال، فقط وقف اعیان صحیح است».

عین حفظ بقا به استناد ماده ۶۷ قانون مدنی می‌نویسد: «بنابراین، هر گاه در برابر انتفاع نامتعارفی که مقصود واقف است، بتوان عین را از اتلاف مصون داشت، در نفوذ وقف تردید نباید کرد. برای مثال، وقف پول برای استفاده‌های زینتی و تبلیغاتی مانعی ندارد». بر اساس بحثی که گذشت، سهم و پول را می‌توان جزء اموال قابل وقف در نظر گرفت؛ چرا که چهار شرط اساسی لازم برای اموال قابل وقف را می‌توان به شرح ذیل بازنویسی نمود:

۱. عین باشد؛

۲. در مالکیت واقف باشد؛

۳. با انتفاع از آن باقی بماند؛

۴. اقباض آن صحیح باشد.

موارد ۲ و ۴ به صورت کاملاً مشهود در مورد سهام و پول قابل تطبیق است. موارد ۱ و ۳ نیز بنا بر بحثی که گذشت، می‌توان مورد استناد قرار داد.

علاوه بر بحث بیان شده، بر فرض آنکه ادله اقامه شده بر درستی وقف پول را ناکافی بدانیم، با استفاده از عمومات صحت عقد آن را به عنوان عقدی جدید تصحیح می‌نماییم. صاحب *مناهل* این دلیل را در ردیف ادله درستی وقف پول بیان نموده و از جمله این عمومات، به آیه وفای به عقد، حدیث سلطنت و حدیث «المؤمنون عند شروطهم» اشاره نموده است (طباطبایی، [بی‌تا] ص ۴۹۵). فیض می‌نویسد: «وقف مبنای عقلانی دارد و بر پایه نیاز اجتماعی پی‌ریزی شده است و با همان نگاه نیز باید درباره آن سخن گفت». خلاصه کلام ایشان آن است که وقف بر پایه بنای عقلا بنا نهاده شده است و شارع نیز آن را امضا نموده است. وقف در میان معاملات امضایی^۱ این خصوصیت را دارد که کمترین قیود و تحدید را از سوی شارع مقدس دریافت نموده است. برای مثال، مکاتبه صفار (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۳۷) که در ردیف مهم‌ترین ادله درباره وقف است، نه تنها تحدیدکنندگی ندارد، بلکه لسانش، لسان موضوع‌سازی است.

از این‌رو، بر فرض که وقف پول را با ماهیت وقف ناسازگار بدانیم، چون دلیلی بر حرمت چنین معامله‌ای وجود ندارد، بلکه مشکل تنها بر سر عدم شمول ماهیت و

۱. بیشتر معاملات، امضایی هستند؛ یعنی شارع مقدس آنها را تأسیس نکرده، بلکه معاملات فرعی و شایع در میان مردم را در چارچوبی خاص امضا نموده است و وقف نیز یکی از آنهاست.

مفهوم وقف نسبت به آن است، پس با عموماً امضایی معاملات، به عنوان معامله‌ای جدید قابل تصحیح و طراحی خواهد بود (سعادت فر، ۱۳۸۴).

«پول و سایر اشیایی که عین آن مصرف می‌شود، قابل وقف کردن نیست. می‌تواند آن پول را به امانت به آن مرکز سپرده و شرط کند که صرف وام نیازمندان گردد و وصیت کند که بعد از او نیز به همان حال باشد» (ملکوتی فر، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۴۴). به هر صورت، فقها از قدما و متأخرین در تصحیح و استدلال بر مشروعیت برخی از عقود معین به وجود ضرورت و نیاز مردم به آن عقد تمسک کرده و گفته‌اند: به دلیل نیاز مردم به این عقد در زندگی روزمره و روابط تعادلی‌شان، این عقد شرعی و صحیح است. با این ملاک، عقود جدید نیز می‌تواند صحیح و مشروع باشد؛ زیرا روابط تبادلی در اثر پیشرفت و توسعه اجتماعی، اقتصادی، صنعتی، خدماتی و فرهنگی در هر جامعه و در سطح بین‌الملل، آن قدر پیچیده و دگرگون شده است که عقود معین مضبوط در فقه، پاسخگوی حل مشکلات روابط مبادلی نیست و امروزه نمی‌توان تمامی مناسبات و معاملات بین مردم و دولت‌ها را در قالب آن عقود، محقق کرد و چنانچه بر آنها اصرار کنیم، جامعه را دچار سختی و تنگنا خواهیم کرد (سلیمان پور، ۱۳۸۲، ص ۹۴).

تدوین مدلی برای ایجاد نهاد مالی کارآمد وقف

نقش نهادهای غیر انتفاعی در کشورهای توسعه یافته

وقف با اشکال گوناگون از زمان صدر اسلام به صورت گسسته و پراکنده وجود داشته است. از این رو، امور اجرایی و مدیریت آن به صورت غیر متمرکز و بخشی بوده است. مهم‌ترین خدماتی که در گذشته به صورت پراکنده به واسطه وجود اموال موقوفه ارائه می‌شد، عمدتاً به ترتیب در بخش‌های کشاورزی، خدماتی، اجتماعی، ایجاد شغل، تهیه و تدارک آذوقه برای حیوانات و انسان‌ها و فراهم کردن زیرساخت‌های اساسی بود.

در حال حاضر، در بیشتر کشورهای مسلمان، نهادهایی برای مدیریت متمرکز امور اجرایی و مسائل وقف ایجاد شده است؛ اما متأسفانه بیشتر این نهادها به نهادهایی کاملاً ناکارآمد و غیر اثربخش تبدیل شده که حتی یک بخش خاص یا ویژه‌ای از اقتصاد کشور را نیز نمی‌تواند پوشش دهد. به همین خاطر است که این قبیل نهادها عموماً به دولت‌ها تحمیل شده و هزینه سنگینی را بر دوش آنها می‌گذارند.

نگاهی به کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که نهادهای غیر انتفاعی به صورت مدیریت غیر متمرکز در این کشورها شکل گرفته است و دولت با مکانیزم‌ها و برگزیدن تدابیر و مزایای خاص، مثل سپر مالیاتی و غیره، از آنها حمایت می‌کند. در طی ۳۰ سال اخیر، درآمد این مؤسسه‌ها از ۳۵ میلیارد به ۶۲۱ میلیارد دلار رسیده و در توزیع درآمد به اقشار محروم کارآمد بوده و به بسیاری از بخش‌های جامعه، مثل آموزش، بهداشت و غیره خدمات‌رسانی داشته است. ایجاد شغل و افزایش سطح رفاه عموم جامعه از کارکردهای این نهادها بوده است.

سودان در بین کشورهای جهان، از لحاظ حجم نهادهای غیر انتفاعی، بزرگ‌ترین کشور محسوب می‌شود. این کشور، ۲۰۰ هزار نهاد غیر انتفاعی دارد، که در سه حوزه اصلاحات اجتماعی، توسعه و بهبود فردی و ارتقا و حمایت از نهادگرایی و نهادسازی متمرکز شده است. دولت انگلیس در سال ۱۹۷۹ به این نتیجه رسید که نمی‌تواند به ارائه همه خدمات اجتماعی بپردازد؛ بنابراین، با در نظر گرفتن تخفیف‌های مالیاتی، جوایز و برخی معافیت‌های خاص به تقویت بخش خصوصی و نهادهای خودمختار پرداخت. به طوری که در دو سال بعد، درآمد اموال موقوفه ۸،۷ میلیارد فرانک، یعنی چیزی حدود ۳ درصد تولید ناخالص ملی (GNP) و در سال ۱۹۸۵ به ۱۲،۶ میلیارد فرانک، معادل ۴،۱ درصد تولید ناخالص ملی (GNP) رسید. جالب است که بدانید منبع اصلی همه این درآمدها از محل هدایا، کمک‌های اختیاری و یا از راه انجام معاملات خرید و فروش حاصل می‌شود. بیشترین بخشی که درآمد حاصل از موقوفات به آن اختصاص یافته بود، قسمت «سلامت و بهداشت پزشکی» بود.

کلیات تأسیس نهاد مالی وقف

چنانچه گذشت، وقف از مقوله‌هایی است که به کشورهای اسلامی اختصاص ندارد و در سراسر جهان، به ویژه در کشورهای توسعه یافته، نهادهای وقفی فراوانی وجود دارد. مهم‌ترین موضوع در این قبیل نهادهای مالی، سرمایه‌گذاری کارآمد اموال موقوفه است که با حمایت قانونی و مالیاتی دولت‌ها باعث بالندگی هر چه بیشتر و تقویت هر چه بهتر جریان وقف می‌شود. صندوق‌های وقفی با هدف تحقق اهداف اجتماعی، تقویت رفاه جامعه، مدیریت کارآمد اموال موقوفه، جمع‌آوری اموال قابل وقف خرد و کلان همه افراد جامعه و هدایت و تبدیل آنها به سرمایه‌گذاری طراحی شده است. هدفمند

بودن، تنوع صندوق‌ها و نهادهای مالی وقف و تخصیص بهینه دارایی‌ها از مهم‌ترین ویژگی‌های این نهادها و صندوق‌های وقفی است. در این بخش، به تبیین اهداف، ساختار و روابط موجود در ایجاد نهاد مالی وقف می‌پردازیم:

الف) اهداف

اهداف مهم این نهاد عبارت است از:

۱. دستیابی به یک هویت مشخص؛
 ۲. ایجاد آگاهی و هوشیاری بین مسلمانان در مورد لزوم تأسیس چنین نهادی؛
 ۳. تسهیل و یادآوری به مسلمانان و نهادهای اسلامی مبنی بر لزوم مشارکت در افزایش رفاه جامعه؛
 ۴. مطالعه علمی، هدفمند و آگاهانه برای برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری هر یک از حوزه‌ها و مناطق محروم و نیازمند؛
 ۵. تشویق خیرین و واقفان مبنی بر ایجاد صندوق وقف عام برای خدمت‌رسانی بهینه به افراد محروم؛
 ۶. تسهیل در جمع‌آوری اموال قابل وقف و نیز فراهم کردن مشارکت افراد با مبالغ اندک؛
 ۷. سرمایه‌گذاری پول‌های جمع‌آوری شده به صورت بهینه و کارآمد؛
 ۸. اطمینان از توزیع دوباره پول‌های جمع‌آوری شده واقفان به صورت کارآمد و بهینه به افراد خاص محروم و نیازمند.
- علاوه بر این اهداف، می‌توان از درآمد ایجاد شده از محل سرمایه‌گذاری‌های صندوق برای تقویت رفاه افراد فقیر، توسعه و گسترش آموزش و فرهنگ از راه عرضه کتب رایگان، تأمین مالی انجام تحقیقات و پروژه‌ها، بهبود و گسترش برنامه‌های آموزشی، اعطای بورس تحصیلی، اعطای هدایا به مدارس، گسترش و تقویت ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، سلامتی و بهسازی (مانند: تقویت و رشد میزان سلامتی افراد نیازمند و محروم جامعه، تأسیس بیمارستان، فراهم کردن داروهای ارزان برای جامعه و خدمات اجتماعی)، فراهم کردن تسهیلات برای فعالیت‌های مذهبی، تثبیت تسهیلات اجتماعی و موارد مشابه آن استفاده کرد.

بنابراین، به‌طور کلی نهاد مالی وقف می‌تواند پول‌های وقف را جمع‌آوری کند. سپس با استفاده از آن، به سرمایه‌گذاری اقدام نماید. در واقع، مؤسسه مالی دو نقش را به صورت همزمان ایفا می‌کند. از یک طرف، به عنوان ناظر، پول‌ها را جمع‌آوری و سپس به سرمایه‌گذاری می‌پردازد؛ یعنی از نقش ناظر به نقش سرمایه‌گذار تغییر می‌کند. در صورت اخیر است که بر اساس شرایط قرارداد، در سود و زیان شریک می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، ناظر پس از جمع‌آوری پول‌ها، آنها را می‌تواند:

۱. در انواع محصولات بانکداری اسلامی سرمایه‌گذاری کند؛ ۲. در بین طرح‌های سرمایه‌گذاری مناسب سرمایه‌گذاری نماید؛ ۳. طرح‌های کسب و کار جدید راه‌اندازی نماید؛ ۴. کسب و کارهای کوچک و متوسط را تأمین مالی نماید.

ب) ساختار

در طراحی کلی صندوق، هدف آن بوده است که نظارت از اجرا تفکیک شود؛ به‌گونه‌ای که امر نظارت به شخص حقوقی صلاحیت‌دار به وسیله سازوکارهای ارزیابی عملکرد، تأیید امکان‌سنجی طرح‌های کسب و کار و نیز حسابرسی صورت‌ها و گزارش‌های مالی ارجاع داده شود؛ در مقابل، مدیر صندوق موظف به یافتن پیمانکاران صلاحیت‌دار و ارجاع پروژه به آنان است. در طراحی صندوق وقف، این ترکیب ارکان دیده شده است:

۱. هیئت امنا (متولی) صندوق

نهاد مالی نظارتی صندوق است که اختیارات و مسئولیت‌های زیر را بر عهده دارد:

- ✓ نظارت بر تطبیق عملکرد ارکان با مفاد اساسنامه، قراردادها و مقررات؛
 - ✓ تأیید امکان‌سنجی پروژه‌ها و نتایج ارزیابی طرح‌های کسب و کار توسط مدیر صندوق؛
 - ✓ طرح دعوی بر علیه دیگر ارکان در صورت لزوم؛
 - ✓ تطبیق کمی و کیفی پیشرفت پروژه‌ها؛
 - ✓ تغییر دیگر ارکان صندوق و تعیین جانشین آنها در صورت لزوم و با تأیید سبأ؛
 - ✓ تعیین و عزل حسابرس صندوق؛
 - ✓ داوری در زمان بروز اختلاف میان دیگر ارکان صندوق.
- متولی می‌تواند خود را به عنوان حسابرس صندوق تعیین کند.

۲. مدیر صندوق

نهاد مالی است که انجام وظایف زیر را بر عهده دارد:

- ✓ انجام امور اجرایی صندوق؛
- ✓ نمایندگی صندوق در برابر اشخاص ثالث؛
- ✓ ثبت حساب‌ها و تهیه صورت‌های مالی؛
- ✓ طراحی تارنما (وبسایت) و به‌روزرسانی آن؛
- ✓ مشارکت در ارزش‌گذاری و محاسبه NAV بر اساس دستورالعمل مربوطه؛
- ✓ تهیه گزارش‌های ادواری؛
- ✓ تأیید اولیه طرح‌های توجیهی پروژه، شامل توجیه فنی، اقتصادی و مالی؛
- ✓ انجام مراحل گرفتن مجوز تأسیس صندوق؛
- ✓ افتتاح حساب به نام صندوق؛
- ✓ تعیین صاحبان امضای مجاز صندوق.

تعریف رابطه بین واقف و صندوق

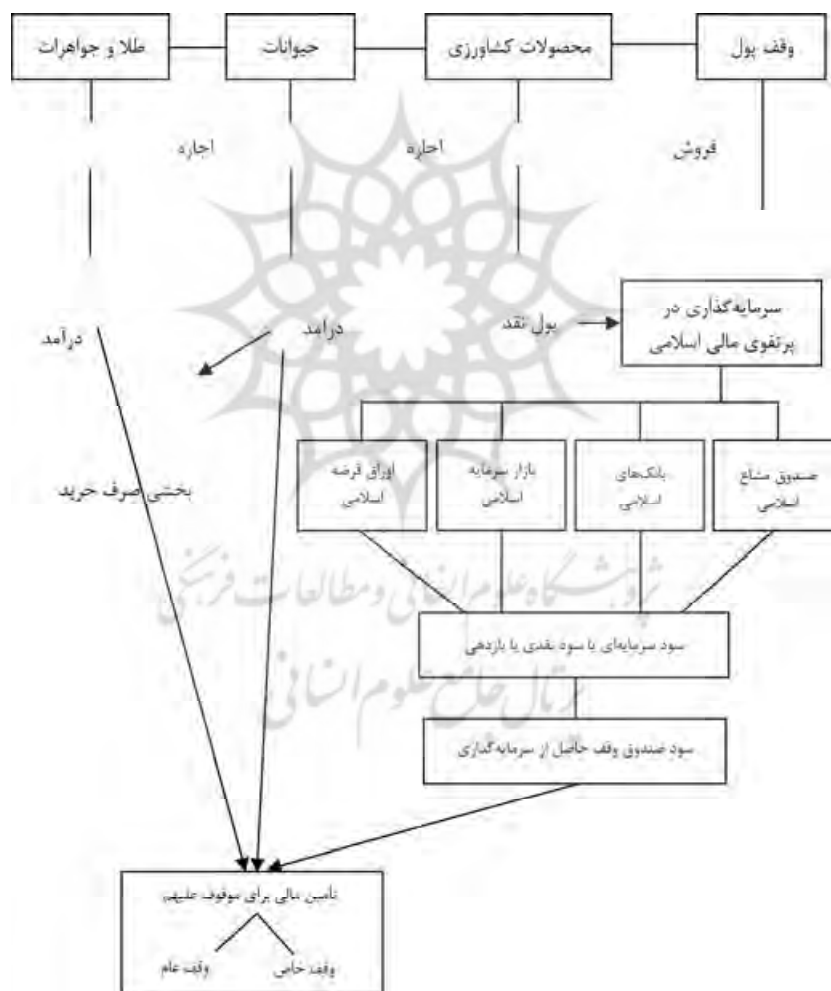
همان‌طور که در نمودار ۱ آمده است، برای مدیریت هر چه بهتر صندوق و نیز آگاهی واقف، شروطی با عنوان شروط ضمن عقد وقف به امضا و موافقت وقف‌کننده می‌رسد. این شروط عبارت است از:

۱. **زیاده و نقصان:** این شرط به واقف این اجازه را می‌دهد که سهم موقوف‌علیه خاصی را افزایش و در عین حال، سهم دیگری را کاهش دهد؛
۲. **ادخال و اخراج:** این شرط نیز برای متولی یا واقف این امکان را فراهم می‌کند که ذی‌نفع خاصی را از موضوع وقف خارج یا ذی‌نفع جدیدی را وارد کند؛
۳. **اعطا و حرمان (بخشش و خلع ید):** این شرط به متولی یا واقف این امکان را می‌دهد تا تمام یا بخشی از درآمد وقف خود را برای مدت‌زمان معینی به شخصی که وی انتخاب می‌کند، اعطا نماید یا از دادن به شخص خاص منع نماید؛
۴. **تغییر و تبدیل:** تغییر، این امکان را به واقف می‌دهد که محل استفاده درآمد وقف را عوض کند (تغییر دهد) و تبدیل، حق تغییر خود دارایی وقف شده را به واقف می‌دهد؛
۵. **ابدال و استبدال:** ابدال، خارج کردن عین موقوفه غیر سودآور از نظر وقف آن، به وسیله فروش واقعی آن است و استبدال عبارت است از: «خریدن عین دیگری

که به منظور جایگزینی عین فروخته شده موقوفه صورت می‌گیرد» (عبدالله امین، ۱۴۱۳ق، ص ۹۹). با توجه به مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مدنی می‌توان استنباط نمود که اگر مال موقوفه به گونه‌ای است که دیگر استفاده از آن معمول نیست، چون باقی ماندن موقوفه باعث خرابی آن می‌شود، امکان فروش آن خواهد بود.

روش‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی

الف) اموال غیر منقول (املاک و مستغلات): اجاره، معاوضه (فروش و خرید)، مضاربه؛
 ب) اموال منقول.



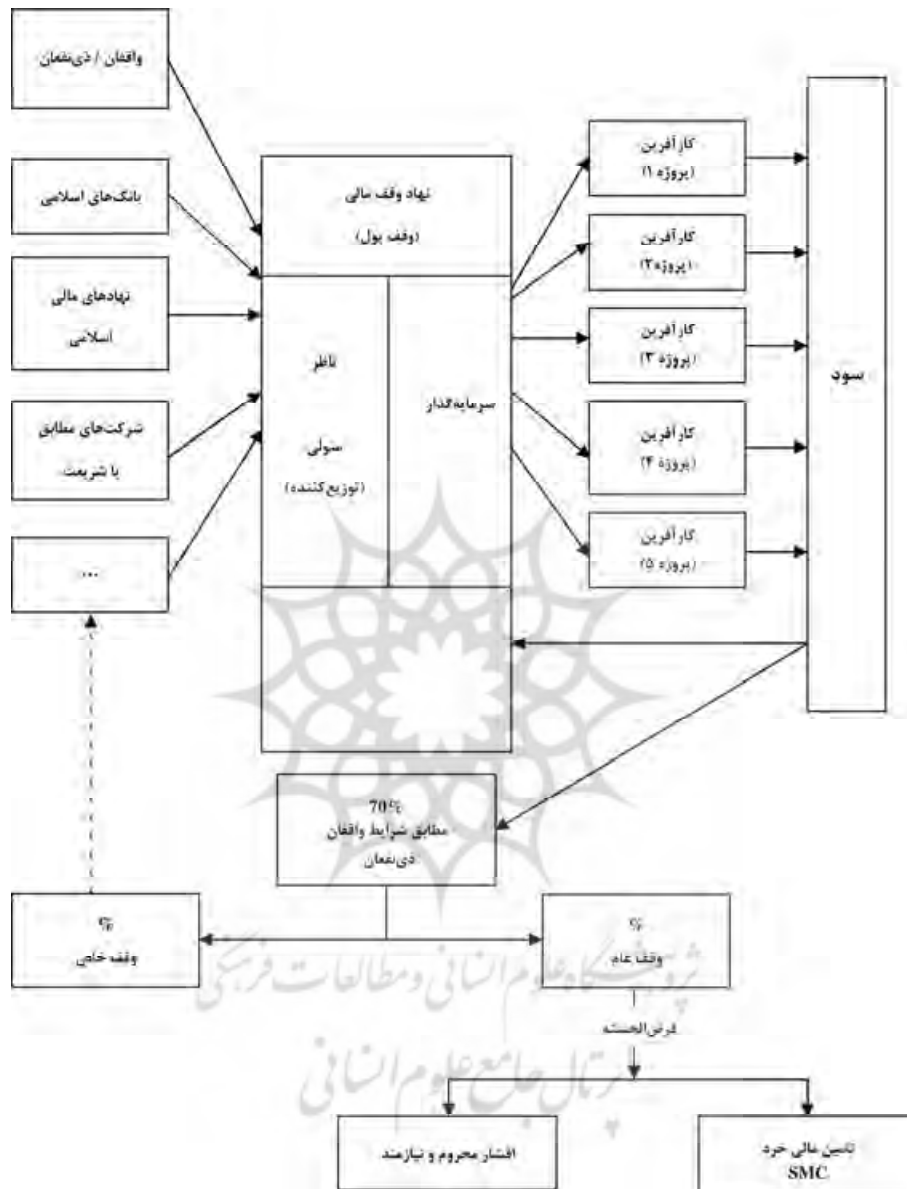
نمودار ۱

تشریح مدل

در این مدل، متولی با تعیین مدیر، اقدام‌های لازم را برای گرفتن مجوز از مراجع رسمی و قانونی انجام می‌دهد. با تشکیل صندوق، واقفان به وقف وجوه نقد یا اوراق مالی خود در صندوق وقفی بر اساس قرارداد وقف‌نامه بیان شده، اقدام می‌نمایند. حال این مؤسسه مالی وقف است که می‌تواند در طرح‌های کارآفرینی از راه رعایت موازین و اصول شریعت اسلامی سرمایه‌گذاری کند. درآمد به دست آمده از سرمایه‌گذاری یا اجاره و غیره، نیز می‌تواند حداقل در سه بخش به کار گرفته شود: یک بخش آن (مثلاً ۲۰ درصد) به منظور پوشش هزینه‌های مدیریت و نظارت مصرف می‌شود. یک بخش دیگر (مثلاً ۷۰ درصد) به مصرف خواسته واقف اختصاص داده می‌شود و بخش سوم (مثلاً ۱۰ درصد) نیز به منظور حفظ و نگهداری ارزش واقعی موقوفه خصوصاً در مقابل نرخ تورم تخصیص می‌یابد.

البته نقاط تشابه زیادی بین کارکرد یک بانک اسلامی و این مؤسسه پیشنهادی وجود دارد؛ برای مثال، مؤسسه مالی وقف می‌تواند با استفاده از عقد مضاربه مضاعف به ایفای نقش خود اقدام نماید. در قرارداد مضاربه مضاعف، سه گروه اصلی درگیر می‌شوند؛ واقفان، مؤسسه مالی وقف و کارآفرینان (افراد حقیقی یا حقوقی که به عنوان طرف قرارداد مؤسسه مالی وقف در پی تأسیس و راه‌اندازی طرح‌های سرمایه‌گذاری هستند). در واقع، مؤسسه مالی دو نقش را به صورت همزمان ایفا می‌کند: از یک طرف، واقفان به عنوان ناظر، پول یا هر گونه اوراق مالی را جمع‌آوری می‌کنند و از طرف دیگر، نقش تأمین‌کننده مالی اصلی پروژه‌های سرمایه‌گذاری را عهده‌دار می‌شوند؛ یعنی نقش مؤسسه مالی به عنوان ناظر به نقش سرمایه‌گذار تغییر می‌کند، که مطابق شرایط قرارداد، در سود و زیان شریک می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، ناظر می‌تواند پس از جمع‌آوری وجوه، آنها را ۱. در انواع محصولات بانکداری اسلامی سرمایه‌گذاری کند؛ ۲. در بین طرح‌های سرمایه‌گذاری مناسب سرمایه‌گذاری نماید؛ ۳. طرح‌های کسب و کار جدید راه‌اندازی نماید؛ ۴. کسب و کارهای کوچک و متوسط را تأمین مالی نماید.

وظایف ناظر نیز عبارت است از: حفظ و نگهداری از اموال موقوفه، آماده‌سازی اموال موقوفه برای سرمایه‌گذاری، نظارت بر مدیریت صندوق وقف، جمع‌آوری پول حاصل از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده و توزیع آن بر اساس خواست واقفان.



نمودار ۲: ساختار اصلی برای تأسیس نهاد وقف پول مضاربه و مشارکت

به هر حال، انتظار داریم صندوق‌های وقفی با ساختار توضیح داده شده، بتواند از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد:

الف) کاهش ریسک اعتباری: چنان که اشاره شد، گونه جدید از صندوق‌های وقفی، طوری طراحی شده که متناسب با افراد نیازمندی است که وثیقه فیزیکی یا ملکی لازم برای گرفتن تسهیلات از بانک‌های تجاری متعارف را ندارند. مؤسسه‌های مالی اسلامی وقفی بر خلاف مؤسسه‌های مالی متعارف، در تلاش هستند که عملیات اجرایی صندوق را به سویی هدایت کنند که در راستای ارزش‌ها و اصول اسلامی باشد. این صندوق‌ها از راه تضمین‌های گروه‌های اجتماعی و همچنین سازوکار پرداخت‌های هفتگی، ریسک اعتباری را تا حد زیادی کاهش داده‌اند؛

ب) حل مسئله خطر اخلاقی: مؤسسه‌های مالی وقفی با توجه به ویژگی‌های ذاتی خود، می‌توانند مشکل اخلاقی که مؤسسه‌های مالی متعارف با آنها درگیرند، به راحتی حل کنند. عمده‌ترین شکل تأمین مالی مؤسسه‌های مالی وقفی استفاده از قراردادهای مباحه، بیع مؤجل و یا اجاره است. استفاده از هر یک از این قراردادها، مستلزم مبادلات واقعی است و قبل از رد و بدل شدن هر گونه وجه نقدی، کالا یا دارایی مبادله می‌شود. در نتیجه، امکان استفاده از وجوه نقد برای کاربردهای غیر تولیدی در صورتی که حذف نشود، به شدت کاهش می‌یابد، که به دنبال خود کاهش نرخ نکول را به همراه دارد؛

ج) توجیه‌پذیری اقتصادی: با توجه به اینکه تأمین مالی به وسیله بنگاه‌های متعارف بر اساس نرخ سود صورت می‌گیرد، هزینه‌های تأمین مالی در مقایسه با مؤسسه‌های مالی وقفی به شدت بالاتر است. از این رو، بسیاری از طرح‌های اقتصادی به دلیل بالا رفتن هزینه سرمایه، توجیه اقتصادی خود را از دست می‌دهد؛

د) تخصیص بهینه منابع: با توجه به اینکه طرح‌های کسب و کار مورد ارزیابی دقیق قرار می‌گیرد و همچنین بخش‌های نیازمند جامعه مورد مطالعه، هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی قرار می‌گیرد، علاوه بر تخصیص بهینه منابع، این صندوق در بلندمدت نقش بسیار مهمی در برطرف کردن آثار فقر و محرومیت از جامعه خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

تشکیل نهاد مالی وقف، فواید زیادی دارد که بازنگری اساسی در تعریف وقف و خصوصاً شرایط اموال موقوفه در حوزه اموال منقول را ضروری می‌کند. با توجه به شکل‌گیری کمیته فقهی در سازمان بورس و اوراق بهادار، یکی از موضوعات مورد بررسی این کمیته می‌تواند جمع‌بندی و ارائه تعریف مناسبی از وقف اموال منقول، مثل

پول و سهام باشد. با توجه به مباحث مطرح شده در بخش چارچوب قانونی وقف استنباط می‌شود که:

۱. با توجه به بررسی اختلاف نظر میان فقهای شیعی مشخص شد که در مورد وقف اموال منقول اختلاف نظر وجود دارد. در این زمینه، سه نکته اهمیت دارد: اول اینکه، مهم‌ترین و تنها مستند فقها در زمینه وقف، همان حدیث نبوی پیامبر اکرم (ص)، یعنی «قال (ص): حَسْبُ الْأَصْلِ وَ سَبَلِ الثَّمَرَةِ» است که در طی زمان به «حَبْسُ الْعَيْنِ وَ اِطْلَاقِ الْمَنْفَعَةِ» تغییر یافته است. دوم اینکه، در مورد شرط عین بودن مال موقوفه، به نظر می‌رسد که قانون مدنی به‌صراحت یا روشنی به وجود چنین شرطی اشاره نداشته و در جاهایی که اشاره داشته است، دلالتی بر لزوم محسوس بودن مال قابل وقف به حواس ظاهری ندارد و این منظور واضح قانون نبوده است. سوم اینکه، عدم بقای اصل مال (در مورد وقف اموال منقول) به‌شدت محل تردید است. از طرف دیگر، در میان مکاتب سنی، همگی بر جایز بودن وقف اموال منقول اجماع دارند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که با بازنگری در تعریف وقف، حوزه اموال قابل وقف به راحتی قابل افزایش است. علاوه بر اینکه فرآیند وقف نیز می‌تواند بسیار منعطف‌تر و به صورت کارآمدتر، اجرا و دنبال شود. بنابراین، عدم صحت وقف پول هم به صورت استدلال در مورد امکان حفظ بقای پول در عین بهره‌مندی از آن و هم به صورت تعریف وقف به صورت یک عقد جدید، رد می‌شود؛
۲. به تبع بند اول، مبنای حفظ اصالت وقف و تحقق شرط ماندگاری، به حفظ ارزش اقتصادی به جای حفظ صورت فیزیکی تغییر یافته است و آنچه که در کانون توجه متولی وقف قرار گیرد، حفظ ارزش موقوفه می‌باشد؛
۳. با استفاده از تجربه‌های سایر کشورها و به‌خصوص با در نظر گرفتن برخی معافیت‌های مالیاتی و جوایز تشویقی، باید شکل‌گیری و فعالیت این قبیل از صندوق‌های وقفی به عنوان واحدهای خودگردان در جامعه نهادینه شود. بدیهی است که تشکیل چنین نهادهای خودگردانی، باعث خواهد شد که علاوه بر سپردن امور اجرایی به چنین مؤسسه‌هایی، دولت و مقام ناظر بتواند با آسودگی خاطر بیشتری به نظارت و شفافیت کارکرد هر کدام از نهادها بپردازد. البته در صورت ایجاد تعداد زیادی از این نهادها، می‌توان هر یک از وظایف و انواع

- وقف را به نوع تخصصی این نهاد مالی واگذار کرد. برای مثال، صندوق‌های وقفی پول، صندوق وقفی سهام و غیره می‌تواند شکل بگیرد؛
۴. پیشنهاد می‌شود که مدیر صندوق با نظارت ناظر از بین متخصصان مالی و سرمایه‌گذاری انتخاب شود که هدف و مهم‌ترین مسئولیت وی اداره کارآمد و مؤثر صندوق خواهد بود و به هیچ‌وجه ناظر خود را گرفتار کارهای اجرایی سرمایه‌گذاری ننماید. در واقع، این مسئولیت و وظیفه مدیر صندوق خواهد بود که به نحو احسن به مدیریت وجوه صندوق در جهت حداکثر کردن ثروت واقفان بپردازد. امید می‌رود که با توجه به اهمیت نقش چنین نهادی در جامعه برای اطمینان واقفان از اجرای شرایط وقف خود و همچنین توزیع بهینه و کارآمد پول‌های جمع‌آوری شده و در کل فرهنگ‌سازی برای استقبال از ایجاد چنین نهادهای عام، شاهد رشد و شکوفایی اقتصاد کشورهای مسلمان باشیم. البته متولیان باید نسبت به ارائه گزارش‌های مستمر مالی و عملکرد خود ملزم شوند و امکان رسیدگی کارشناسانه به عملکرد متولیان فراهم شود؛
۵. ارتقای فرهنگ صحیح وقف و به‌خصوص آشناسازی متولیان موقوفات با مبانی مدیریت موقوفات در اسلام در کنار ایجاد ضمانت اجرایی برای قوانین موجود و برطرف کردن خلأهای قانونی می‌تواند شکوفایی و رشد اقتصادی را سرعت بخشد.

منابع

- ابن‌الهمام، محمد بن عبدالواحد [بی‌تا] شرح فتح القمیر، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- اشتیاق، وحید [بی‌تا] «وقف سهام شرکت‌ها؛ امکان حقوقی و ضرورت اجتماعی»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۱۰.
- امامی، سید حسن (۱۳۷۵)، حقوق مدنی، ج ۱، انتشارات و کتابفروشی اسلامیة.
- بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- بهرامی، محمد (۱۳۸۴)، پژوهش فقهی - حقوقی در وقف سهام شرکت‌ها، مدیریت موقوفات آستان قدس رضوی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۳ الف)، حقوق اموال، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- _____ (۱۳۷۳ ب)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- جناتی، محمدابراهیم (۱۳۸۰)، «وقف از دیدگاه مبانی اسلامی»، نشریه میراث جاویدان، ش ۵.
- حائری (شاه‌باغ)، سید علی (۱۳۸۲)، شرح قانون مدنی، ج ۱، چاپ دوم، تهران: گنج دانش.
- خطیب، احمدعلی (۱۳۹۸ق)، الوقف والوصایا، الطبعة الثانية، نشر جامعه بغداد.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۴۰۸ق)، تحریر الوسیلة، نجف اشرف: مطبعة الاداب.
- خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق)، جامع المدرک فی شرح المختصر النافع، ج ۲، انتشارات مکتب الصدوق.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- راوندی، قطب‌الدین سعید بن عبدالله (۱۴۰۵ق)، فقه القرآن، ج ۲ از ۲ جلد، الطبعة الثانية، مکتبة آیت الله المرعشی النجفی.
- رملی، محمد بن ابی‌العباس (۱۳۸۶ق)، نهاية المحتاج، قاهره: مکتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده.
- سبزواری، محمدباقر بن محمد [بی‌تا]، کفایة الاحکام، اصفهان: انتشارات مدرسه صدر.
- سعادت‌فر، جواد (۱۳۸۴)، «امکان‌سنجی فقهی وقف پول (توصیه‌ها و راهکارها)»، مجموعه مقالات همایش وقف در بازار سرمایه.

- شهید ثانی، محمد بن جمال‌الدین مکی عاملی [بی تا]، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، بیروت: دارالعالم الاسلامی.
- صالح آبادی، علی (۱۳۸۵)، *مجموعه مقالات بازاریهای مالی اسلامی*، انتشارات مشترک سازمان بورس و اوراق بهادار و دانشگاه امام صادق (ع).
- عبدالله امین، حسن (۱۴۱۳ق)، *الوقف فی الفقه الاسلامی*، اداره و تسمیر ممتلكات الاوقاف، المجمع الاسلامی للبحوث والتدریب، وابسته به بانک توسعه اسلامی.
- عبده تبریزی، حسین (۱۳۸۴)، «نهاد مالی صندوق‌های وقفی در جهان و اصول اسلامی فعالیت آن در ایران»، *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)*، ش ۲۴، بهار.
- علامه الحلّی، حسن بن یوسف [بی تا]، *قواعد الاحکام*، قم: منشورات الرضی.
- فصلنامه میراث جاویدان*، ش ۷ و ۴۵.
- فیض، علیرضا (۱۳۷۴)، «مصلحت وقف و پاره‌ای از شرط‌های آن»، *نشریه میراث جاویدان*، ش ۸.
- قانون مدنی ایران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۹)، *حقوق مدنی، عقود معین*، ج ۳ (عطایا)، تهران: بلد.
- _____ (۱۳۷۴)، *حقوق مدنی، عقود معین*، ج ۱ و ۴، انتشارات مدرس.
- مجموعه مقالات همایش وقف در بازار سرمایه (۱۳۸۴)، دانشگاه مفید.
- محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج ۱۴ از ۱۸ جلد، الطبعة الاولى، بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- محقق حلّی (۱۳۷۷ق)، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، ج ۲، کتاب وقف، تهران: مکتب الاسلامیة.
- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد [بی تا]، *غنائم الايام فی ما يتعلق بالحلال والحرام*، ج ۴ از ۶ جلد، (بی جا): (بی نا).
- نجفی، محمدحسن (۱۳۹۷ق)، *جواهر الکلام*، ج ۶، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیة.
- _____ (۱۹۸۱م)، *جواهر الکلام*، ج ۲۸، بیروت: انتشارات دارالاحیاء التراث العربی.
- نوبخت، یوسف (۱۳۷۲)، *اندیشه‌های قضایی*، تهران: انتشارات کیهان.
- یزدی، سید محمدکاظم [بی تا]، *عروة الوثقی*، (بی جا): (بی نا).
- Ahmad, Ausaf (1993), "Contemporary Practice of Islamic Financing Techniques", *Islamic Research and Training Institute*, Research Paper, no.20.

- Ahmed, Habib (2002), "Financing Microenterprises: An Analytical Study of Islamic Microfinance Institutions", *Islamic Economic Studies*, 9 (2), pp.27-64.
- (2003), "The Role of Islamic Financial Institutions in Financing Microenterprises: Theory and Practice", Paper Presented at the *Forum on Islamic Economics and Finance* held in Amman Jordan during September 27- 29, 2003 Organized by The Arab Academy for Banking and Financial Sciences.
- (2004), *Role of Zakah and Awqaf in Poverty Alleviation*, Occasional Paper, no. 8, Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank, Jeddah.
- (2006), "Withdrawal Risk in Islamic Banks, Market Discipline and Bank Stability", in Tariqullah Khan and Dadang Muljawan (Editors), *Islamic Financial Architecture: Risk Management and Financial Stability*, Conference Proceedings, Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank Group.
- Baswir, Revrisond (2000), *Indonesian Foreign Debt*, Satunet Column.
- Bennett, Lynn (1998), "Combining Social and Financial Intermediation to Reach the Poor: The Necessity and the Dangers", in Kimenyi, Mwangi S., Robert C. Wieland, and J.D.V. Pischke (Editors), *Strategic Issues in Microfinance*, Ahsgate Publishing Ltd., Hants, England.
- Bornstein, David (1996), *The Price of a Dream: The Story of Grameen Bank and the Idea that is Helping the Poor to Change their Lives*, University Press,
- Chapra, M. Umer (1985), *Towards a Just Monetary System*, The Islamic Foundation, Leicester.
- and Habib Ahmed (2002), *Corporate Governance in Islamic Financial Institutions*, Occasional Paper, no.6, Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank.
- Cizakca, Murat (2004), "Cash Waqf as Alternative to NBFIs Bank", Paper Presented in the International Seminar on Nonbank Financial Institutions: Islamic

Alternatives, March 1-3, 2004, Kuala Lumpur, Jointly Organized by Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank and Islamic Banking and Finance Institute Malaysia.

Coyle, R. G. (1997), *Management System Dynamics*, John Wiley & Sons Ltd., Great Britain.

Dhaka. Buckley, Graeme (1996), "Rural and Agricultural Credit in Malawi, A Study of the Malawi Muzdi Fund and the Smallholder Agricultural Credit Administration", in Hulme, David and Paul Mosley, *Finance Against Poverty*, volume 2, Routledge, London: pp.333-407.

Dian Masyita, Muhammad Tasrif, Abdi Suryadinata Telaga (2005), Dynamic Model for Cash Waqf Management as One of The Alternative Instruments for the Poverty Alleviation in Indonesia.

El-Gari, Mohamed A. (2004), "The Qard Hassan Bank", Paper Presented in the International Seminar on Nonbank Financial Institutions: Islamic Alternatives.

Frank E. Vogel and Samuel L. Hayes III (1998), *Islamic Law and Finance "Religion, Risk and Return"*, Published by Kluwer Law International.

Ibrahim, M. Anwar (2002), *Waqf in Islamic Law*, International Workshop on Productive Waqf Management, Batam.

LP3E (2000), *Analysis on SMEs Development and Restructuring Policies*, Coordinating Ministry of Economy and LP3E Faculty of Economics, Unpad, Desember.

Magda, Ismail Abdel Mohsin (2005), *A proposal for a financial cash-waqf institution*, Islamic Development Bank Seminar.

Mannan, M. A. Abdul (1998), *Cash Waqf, Enrichment of Family Heritage Generation to Generation*, Social Investment Bank Publication Series no.1, 1st edition.

----- (1999), "Cash Waqf Certificate-an Innovation in Islamic Financial Instrument: Global Opportunities for Developing Social Capital Market in the

21st Century Voluntary Sector Banking", *Presentation at the Third Harvard University Forum on Islamic Finance*, October 1.

----- (1999), "Global Mobilization and Creation of Cash Waqf Fund for Human and Social Capital Infrastructure for the Islamic Ummah", *Social Investment Bank Publication Series*, no.5.

----- (1999), "Lesson of Experience of Social Investment Bank in Family Empowerment Micro-credit for Poverty Alleviation: A Paradigm shift in Microfinance", *Social Investment Bank Publication Series*, no.10.

Masyita, Dian (2002), Preliminary Implementation Model Design of Cash Waqf Certificate as Alternative Instrument for Poverty Alleviation in Indonesia using System Dynamics Methodologi, Thesis, ITB.

no.1, Spring 2000, Wiley InterScience.

Sushil (1993), *System Dynamics-A Practical Approach for Managerial Problems*, Wiley Eastern Limited, India.

System Dynamics Review, The Journal of the System Dynamics Society, vol.16.

Tasrif, Muhammad (1996), *System Thinking & Dynamics Modeling*.

Utomo, Setiawan Budi (2001), *Fiqh on Waqf and Cash Waqf*, Presentation in Monthly Discussion for Cash Waqf Implementation in Indonesia, MUI Commission of Economy.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی